

چکیده

در این مقاله پس از شرح مختصری از بانکداری در ایران، به اشکالات ساختاری نحوه‌ی اداره‌ی بانک‌های ادغام‌شده و کاستی‌های موجود در قوانینی که در شرایط اضطراری به تصویب رسیده‌اند، پرداخته می‌شود. از جمله‌ی این کاستی‌ها عدم معرفی ابزارهای نوین و نهادسازی و پذیرش استانداردهای نظارت برای فعالیت بانکداری است. سپس ماهیت معیارهایی که خارج از مجاری سنتی حقوق بین‌الملل ایجاد شده‌اند، بیان می‌شود. در مورد اصول محوری مورد نظر کمیته بازل^۱، گفته شده که این مهم‌ترین گامی است که بعد از جنگ جهانی دوم برای همگرایی در اصول و قواعد بانکداری بین‌المللی برداشته شده است. این اصول محوری، استانداردهایی هستند که از طریق منابع رسمی بین‌المللی ایجاد نشده‌اند ولی ماهیت الزام‌آور این اصول (که طبق حقوق بین‌الملل می‌تواند حقوق قوام‌نیافته^۲ نامیده شود) ما را ناگزیر از پذیرش و انطباق با آن‌ها می‌نماید. باید در نظر داشت که؛ اعمال نظارت مؤثر، نیازمند زیرساخت‌های عمومی منطبق با تحولات جدید است. علاوه بر بسترهای قانونی لازم، نظارت مؤثر، مستلزم اصول صریحی است که ناظران را قادر سازد که به دور از فشارهای سیاسی، مسئولیت‌ها و اختیارات خود را انجام دهند. بنابراین در دیگر بخش مقاله، آن دسته از اصول پذیرفته‌شده‌ی نظارتی که مرتبط با صدور مجوز تأسیس، نظام کنترل‌های داخلی، روش‌های نظارت مستمر و اختیارات ناظران در اعمال اقدامات اصلاحی^۳ است (نه به قصد ترجمه بلکه با هدف ترسیم خطوط کلی آن)، مورد بررسی و لایحه‌ی قانونی اداره امور بانک‌ها، ماده‌ی واحده‌ی قانون اجازه تأسیس بانک‌های غیردولتی و موادی از قانون پولی و بانکی کشور که ابزار و پیش شرط نظارت هستند، همچنین مورد تحلیل قرار گرفته است و در پایان، با انجام مطالعه تطبیقی در قوانین سایر کشورها مواد اصلاحی پیشنهاد می‌شوند.

کلمات کلیدی: اصول نظارتی، کمیته بازل، مجوز تأسیس، حقوق قوام‌نیافته.

¹ core principle for effective banking supervision- Basle committee on banking supervision.

² soft law

³ corrective action